

موضوع: خارج فقه مسائل کرونا ویروس

جلسه سوم / ۱۸ فروردین ۹۹

استاد سید احمد خاتمی

خلاصه جلسه گذشته

سخن پیرامون مسایل مربوط به کرونا بود. برخی مسائل مربوط به احکام تکلیفیه و برخی مربوط به احکام وضعیه هستند. مسائل احکام تکلیفیه مانند: وضو و نماز بیماران کرونایی بود. گفتیم، مانند دیگر بیماران هستند اگر توانست وضو می گیرد و اگر نتوانست، باید تیمم کند. سوالی که در این رابطه مطرح می شود. اگر بیمار کرونایی نتوانست و یا فرصت وضو گرفتن یا تیمم کردن را نداشته باشد؛ حکم او مصداق فاقد الطهورین می شود.

مسئله دیگر وضو و تیمم پرستاران خدمتگذار است. اگر به هیچ وجهی نتوانند لباس مخصوص خود را تعویض کنند در نتیجه نتوانند وضو یا تیمم بگیرند. در جلسه گذشته گفتیم این بخش مربوط به مدیران بیمارستان ها می شود یعنی شرایط نماز خواندن آنها را فراهم کنند، مدیران بیمارستان ها این را یکی از مراحل و اقدامات درمان بیماران برای پرستاران تقلی بشود. به هر حال اگر شرایط وضو و تیمم برای پرستاران فراهم نشد. حکم آن نیز حکم فاقد الطهورین است. در فقه حکم فاقد الطهورین بیان شده محقق حلی می فرماید: من عدم الماء و ما یتیمم به لقید أو حبس فی موضع نجس قیل یصلي و یعید و قیل یؤخر الصلاة حتی یرتفع العذر فإن خرج الوقت قضی و قیل یسقط الفرض أداء و قضاء و هو الأشبه [1]. کسی که آب و آنچه که بشود با آن تیمم بکند را نداشته باشد. بخاطر اینکه در مکان نجس پاهای او را بسته یا حبس کرده باشند. محقق می فرماید یک قول اینکه نماز را با بدون طهارت می خواند و بعد از وقت قضاء بکند. قول دیگر، تا زمان رفع عذر و تمکن از احد الطهورین نماز را به تاخیر بیندازد. اگر تا آخر وقت تمکن حاصل نشود. با خروج وقت قضای آن را بخواند. قول سوم، - نظر مشهور و محقق حلی است- اگر مکلف فاقد الطهورین بشود اشبه این است که، وجوب اداء و قضای نماز ساقط می شود. صاحب جواهر می فرماید: و تبعه علیه جماعة ممن تأخر عنه كالعلامة فی جملة من کتبه، و المحقق الثانی و غیرهما [2]. بنابراین محقق حلی طرفدار سقوط نماز اداء و قضاء است. سید یزدی در عروه و کثیری از بزرگان هم نظر با او هستند؛ می فرماید: (مسألة ۷): فاقد الطهورین یجب علیه القضاء، و یسقط عنه الأداء و إن کان الأحوط الجمع بینهما [3]. ادای نماز واجب نیست ولی قضای آن واجب است گرچه احوط جمع بین این دو داشته باشد یعنی هر طور می تواند حتی بدون طهارت نماز را اداء

بخواند و بعد از اینکه متمکن از وضو شد قضای آن بجا بیاورد. تعبیر به مشهور فقهاء و مشهور متاخرین شده است که این نظر را برگزیده اند. ابتدا نظر مشهور را مطرح می کنیم.

نظر مشهور

علامه در منتهی المطلب [4] این نظر را انتخاب کرده و شهید در کتاب البیان [5]، نیز این قول را انتخاب کرده است. مدارک الاحکام [6] و نیز فتوای سید یزدی را گفته است. بنابراین در دو مقام بحث می کنیم. البته احوط سید نیازی به دلیل ندارد؛ چون احتیاط مستحب است و الاحتیاط حسن علی کل حال. مقام اول: چرا اداء ساقط است؟ مقام دوم: چرا قضاء نماز ساقط نیست؟

اما مقام اول: چرا اداء ساقط می شود؟ از صحیح حلی استفاده می شود که هویت نماز به طهور گره خورده است. اجزای نماز بر دو قسم است برخی واجب هستند اما جزو هویت نماز نیستند، مانند قرائت فاتحة الكتاب است- گرچه لا صلاة الا بفاتحة الكتاب- چون درباره کسی که قرائت را نمی داند می گویند هر مقدار از قرآن را بخواند کفایت از قرائت نماز می کند بنابراین قرائت فاتحة الكتاب جزو هویت نماز نیست. و دلیل دیگر بر اینکه وجوب قرائت فاتحه جزو هویت نماز نیست اگر قرائت فاتحه را فراموش کند. قاعده لا تعاد شامل آن نمی شود به عبارت دیگر مشمول مستثنی منه آن می شود. و نیز شرط وجوب استقبال نیز جزو هویت نماز نیست گرچه لا صلاة الا الى القبلة وارد شده است. اگر مکلف قبله را پیدا نکرد به چهار طرف نماز می خواند و نماز او صحیح است. بنابراین برخی واجبات نماز گره خورده به نماز نیست و از روایات استفاده می شود برخی واجبات گره خورده به هویت نماز است. مانند طهور و رکوع و سجود.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الصَّلَاةُ ثَلَاثَةٌ أَثْلَاثٌ ثُلُثٌ ظُهُورٌ وَ ثُلُثٌ رُكُوعٌ وَ ثُلُثٌ سُجُودٌ [7].

سند روایت

سند این روایت به نظراً اعلایی است. اما علامه مجلسی می گوید این روایت حسنه است بخاطر ابراهیم بن هاشم است. با اینکه شیخ القمیین است چون نجاشی در رجال خود درباره او ثقة نگفته لذا علامه مجلسی سند این روایت را حسنه می داند. البته تعبیر علامه مجلسی بخاطر ضعف ابراهیم بن هاشم نسبت بلکه براساس تقسیم بندی احادیث توسط علامه حلی، این روایت در زمره روایات حسنه قرار می گیرد. و در هر صورت این روایت گرفتنی است.

در جلسه گذشته گفتیم، حلبیون پنج نفر هستند چهار برادر به همراه پدرشان، همه محدث، ثقه و اهل کوفه بودند. در روایات مراد از حلبی مطلق، عبید الله بن علی الحلبی است.

دلالت روایت

در روایت می فرماید نماز سه جزء اصلی دارد. که یکی از اجزاء طهور است. پاسخ به سوال اینکه این تعابیر در مورد دیگر واجبات نماز شده است مانند لا صلاة الا بفاتحة الكتاب و الا الى القبلة؛ این است که با کنار هم قرار دادن ادله دیگر معلوم می شود نماز گره به این واجبات نیست.

ان قلت: وارد شده «الصلاة لا تسقط بحال»، سقوط اداء و فتوا به سقوط نماز به معنی عدم وجوب آن است منافات به این تعبیر دارد.

قلت: اولاً این تعبیر در هیچ روایتی نیامده است. آری یک تعبیر دیگر وارد شده است اما این تعبیر در هیچ روایتی نیست. و آن تعبیر در روایت زراره وارد شده است.

و عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ النَّفْسَاءُ مَتَى تُصَلِّي فَقَالَ تَقْعُدُ بِقَدْرِ حَيْضِهَا وَ تَسْتَظْهَرُ بِيَوْمَيْنِ فَإِنْ انْقَطَعَ الدَّمُ وَإِلَّا اغْتَسَلْتَ وَ اخْتَشَشْتَ وَ اسْتَنْقَرْتَ وَ صَلَّيْتَ فَإِنْ جَارَ الدَّمُ الْكُرْسُفَ تَعَصَّبْتَ وَ اغْتَسَلْتَ ثُمَّ صَلَّيْتَ الْغَدَاةَ بِغُسْلٍ وَ الظُّهْرَ وَ الْعَصَرَ بِغُسْلٍ وَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ بِغُسْلٍ وَ إِنْ لَمْ يَجْزِ الدَّمُ الْكُرْسُفَ صَلَّيْتَ بِغُسْلٍ وَاحِدٍ قُلْتُ وَ الْحَائِضُ قَالَ مِثْلُ ذَلِكَ سِوَاءً فَإِنْ انْقَطَعَ عَنْهَا الدَّمُ وَإِلَّا فَهِيَ مُسْتَحَاضَةٌ تَصْنَعُ مِثْلَ النَّفْسَاءِ سِوَاءً ثُمَّ تُصَلِّي وَ لَا تَدْعُ الصَّلَاةَ عَلَى حَالٍ فَإِنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ الصَّلَاةُ عِمَادُ دِينِكُمْ [8].

سند روایت

روایت سه سند دارد. سند اول، روایت کلینی از احمد بن محمد بن عیسی است. سند دوم، از علی بن ابراهیم از پدرش است. سند سوم، از محمد بن اسماعیل که از مشایخ کلینی و از رجال بی واسطه کامل الزیارات است. محقق خویی ابتدا برای همه رجال کتاب کامل الزیارات قائل به توثیق عام بودند ولی قبل وفات از نظر خود برگشتند با اطلاعی که ای فقط رجال بی واسطه را قائل شدند. مراد از جمیعاً یعنی احمد بن محمد و ابراهیم بن هاشم و فضل بن شاذان از حماد بن عیسی نقل می کنند. که از اجلاء اصحاب امام کاظم علیه السلام است غریق الجعفة است. حریز بن عبد الله سجستانی است. و زراره بن اعین سنسن شیبانی است. این سه سند قابل اخذ است. اضممار در روایت هم مضر نیست چون مضمّر زراره است

دلالت روایت

راوی مساله درباره نفساء سوال می کند و امام علیه السلام جواب می دهند، ذیل روایت می فرماید « و لا تدع الصلاة على حالٍ فان النبي قال الصلاة عماد دينكم » یعنی نفساء در هیچ حالی ترک نمی کند

ان قلت: شاید حکم اختصاص به نفساء دارد چون تعبیر به نفساء شده است

قلت: روشن است که فرقی بین نفساء و دیگران نیست. مضافاً به تعلیل در زیر معلوم می شود غیر نفساء هم نماز را در هیچ حالی نباید ترک کند. و مراد از اینکه نفساء نماز را در هیچ حالی ترک نکند یعنی به وظیفه خود عمل کند همچنانکه به وظیفه استحاضه عمل می کند.

بنابراین درست است که تعبیر « الصلاة لا تسقط بحال » در روایتی وارد نشده است ولی تعبیر « و لا تدع الصلاة على حال » در روایت فوق وارد شده است. لذا چگونه می گوید نماز اداء از فاقد الطهورین ساقط می شود.

پاسخ: بر نماز بدون طهور، نماز صدق نمی کند. چون هویت نماز گره خورده با طهور و رکوع و سجود است. بنابراین چون نماز صدق نمی کند لذا وجوب ادائی ساقط می شود. در نتیجه وجوب نماز ادائی تکلیف ما لایطاق می شود. اما به دلیل « اقض ما فات كما فات »، فوت صدق می شود، لذا قضای نماز واجب است. مانند صورتی که ملکف خواب بماند و اداء نماز را نخواند صدق فوت بر او می شود باید قضای آن را بخواند.

[1] شرائع الاسلام- ط استقلال، المحقق الحلي، ج ۱، ص ۴۰.

[2] جواهر الکلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۵، ص ۲۳۴.

[3] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ۳، ص ۶۲.

[4] منتهی المطلب- مجمع البحوث الاسلامة، حلی علامه، حسین بن یوسف بن مطهر الاسدی ج ۳، ص ۷۳-۷۴.

[5]، البیان- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی ص ۸۶.

[6]، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام - عاملی، محمد بن علی موسوی، ج ۲ ص ۲۴۲.

[7] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٦، ص ٣١٠، أبواب الركوع، باب ٩، ح ١، ط آل البيت.

[8] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢، ص ٣٧٣، أبواب الاستحاضة، باب ١، ح ٥، ط آل البيت.